

مبارزات سیاسی ضد استعماری شهید ریسعلی دلواری در جنوب

رضا جعفری

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج

چکیده

ایران برای استعمارگران بریتانیایی در حوزه خاور زمین، همواره مورد توجه بوده است. قلمروی ایران، به ویژه بخش جنوبی آن، همان حلقه مورد نیازی بود که آسیای صغیر را که زیر نفوذ انگلستان قرار داشت، به هندوستان پیوند می‌داد. اما در داخل ایران تهاجم قوای دشمن زنگ‌ها را به صدا درآورد. میهن پرستان که نمی‌توانستند اشغال سرزمینشان را تحمل کنند و در برابر آن بی‌تفاوت بمانند به زودی کانونهای مقاومت علیه اشغالگران ایجاد و پرچمداران فداکار و از خود گذشته انقلاب در مقام تجهیز و بسیج نیرو و انجام عملیات تهاجمی و جنگی برآمدند. این عده که آشکارا دست به اقدام خطرناکی زده بودند، راه مبارزه خونین را به عنوان مسیری برگشت ناپذیر انتخاب کردند. با این وجود به نظر می‌رسید جز این هیچ راه و چاره دیگری وجود نداشت. ریسعلی دلواری مبارز مشروطه‌خواه و بزرگمردی بود که در جنگ جهانی اول، هدایت قیام جنوب در تنگستان و بوشهر علیه نیروهای انگلیس را بر عهده داشت و توانست با مجاهدت و رهبری خود و در راستای حفاظت از ایران استعمار پیر را به زانو درآورد و در این راه جان خود را از دست داد.

واژه‌های کلیدی: مبارزات سیاسی، ضد استعماری، شهید ریسعلی دلواری

مقدمه

رییسعلی دلواری در ۱۲۶۳ خورشیدی در روستای دلوار از توابع تنگستان دیده به جهان گشود. تنگستان منطقه‌ای کوهستانی در جنوب شرقی بوشهر است و از جنوب دشتستان بوشهر تا ساحل دریا امتداد دارد. تنگستان شامل تنگستان شمالی به مرکزیت «اهر» و تنگستان ساحلی به مرکزیت «دلوار» است. پدر دلواری زائیر محمد، کدخدای دلوار بود که بعدها به «معین‌الاسلام» ملقب شد. با شروع نهضت مشروطیت، رییسعلی در حالی که ۲۵ سال بیشتر نداشت از جمله پیشگامان مشروطه‌خواه در جنوب ایران شد. او با همراهی دیگر مشروطه‌خواهان بوشهر را از حاکمیت استبداد قاجاریه خارج کرد. رییسعلی در دوران دیکتاتوری محمدعلی شاه قاجار علیه حکومت وی در جنوب دست به اسلحه برد و در ۱۲۸۷ خورشیدی به درخواست ملاعلی تنگستانی و سیدمرتضی مجتهد اهرمی که مخالف استبداد محمدعلی شاه قاجار بود، بوشهر را از سلطه عمال شاه قاجار آزاد کرد و حدود ۹ ماه شهر را در کنترل داشت. وی همچنین در کشاکش جنگ اول جهانی و در حمله انگلیسی‌ها به بوشهر، رشادت بسیاری از خود نشان داد. ماجرا از این قرار بود که در ۱۹۱۴ میلادی در آغاز جنگ جهانی اول نیروهای انگلیس از جنوب ایران را در معرض هجوم قرار دادند و کشتی‌های جنگی آنها در مقابل بوشهر لنگر انداختند و نیروهای اشغالگر به تدریج قصد اشغال بوشهر و نواحی ساحلی اطراف را داشتند. در واقع باید گفت بوشهر برای انگلیس به عنوان بندری تجاری و به لحاظ جغرافیای سیاسی در منطقه خلیج فارس با اهمیت تلقی می‌شد. حضور آلمان در بوشهر که در آن زمان با بریتانیا در جنگ بود، بهانه‌ای به دست داد تا آنها، این شهر را اشغال کنند. انگلیس مقامات کنسول آلمان را دستگیر کرد که این اقدام اعتراض ایران را در پی داشت. به همین دلیل رییسعلی دلواری با کسب تکلیف از علماء در اوایل رمضان ۱۳۳۳ قمری خود را برای دفاع از بوشهر و جلوگیری از پیشروی نیروهای انگلیسی آماده کرد و توانست آنها را شسکت بدهد. در ایران به دلیل مجاهدت‌های این مبارز نامدار در ۱۳۸۹ خورشیدی و با مصوبه شورای عالی انقلاب سالروز شهادت وی برابر با ۱۲ شهریور به نام «روز ملی مبارزه با استعمار» نامگذاری شده است (جلالی، ۱۳۹۰).

اولین تقابل دلواری با انگلیسی‌ها

با شروع جنبش و انقلاب مشروطیت در ایران، دلواری با شناختی که از این جنبش داشت به جمع مشروطه‌خواهان پیوست؛ البته به مفهوم واقعی و عمیق نمی‌توان او را مشروطه‌خواه دانست، اما گرایش‌های مشروطه‌طلبانه داشت و از افراد طرفدار مشروطه در منطقه جنوب به حساب می‌آمد که از هواداران مشروطه نیز حمایت می‌کرد. دلواری در کنار فعالیت‌ها و اقدامات سیاسی، به امر تجارت نیز اشتغال داشت. ارتباطات تجاری او با جزیره بحرین بود. (در آن دوران ارتباطات تجاری جنوب ایران با جزیره بحرین بسیار زیاد بود). دلواری از معادن تنگستان، به بحرین گنج صادر می‌کرد و از بحرین، چای، اسلحه و فشنگ وارد مناطق جنوبی کشور می‌کرد. پیش از آغاز جنگ جهانی اول، انگلیسی‌ها به یکی از کاروان‌های دلواری در دریا حمله کردند که متعاقب آن درگیری به وجود آمد و به اشتباه به عنوان نقطه آغازین رویارویی مستقیم دلواری با انگلیسی‌ها یاد می‌شود؛ چراکه دلواری در جریان انقلاب مشروطه و در دوره استبداد صغیر، تحت زعامت و هدایت آیت‌الله سیدمرتضی علم‌الهدی اهرمی به انگلیسی‌ها در بوشهر حمله کرد. در پی آن حمله، بوشهر از تسلط انگلیسی‌ها خارج شد و در اختیار نیروهای تنگستانی قرار گرفت. اما انگلیسی‌ها در ادامه و در پاسخ به حمله دلواری یک ناو جنگی در بندر بوشهر مستقر کردند و آن شهر را مجدد به اشغال خود درآوردند. درگیری‌ها بین دلبران تنگستان با انگلیسی‌ها تا جنگ جهانی اول ادامه داشت. با آغاز جنگ جهانی اول، علیرغم اینکه ایران اعلام بی‌طرفی کرده بود، انگلیس تحرکاتی انجام داد که مداخله آشکار در امور داخلی ایران بود. نقطه اوج این مداخله، دستگیری دکتر لیسترمن سرکنسول گر آلمان در بوشهر و چند نفر از کارمندان شرکت تجاری وانکهاوس بود. نقض آشکار بی‌طرفی ایران در جنگ، مورد واکنش جدی علما و خوانین ضدانگلیسی جنوب کشور قرار گرفت. از این رو دلواری در راستای حفاظت از ایران، پشتیبانی از بی‌طرفی کشور و مبارزه با مداخله بیگانگان به همراه چند نفر دیگر در بخش‌های مختلف منطقه بوشهر اعلام قیام کردند و نبرد مسلحانه‌ای را علیه انگلیسی‌ها رقم زدند. خوانین منطقه بوشهر اختلافاتی با هم داشتند، اما با آغاز جنگ جهانی اول اختلافات خود را کنار گذاشتند و متحد ضدانگلیسی شدند و به غیر از دلواری که در ماه‌های

نخست جنگ به شهادت رسید، تا پایان جنگ جهانی اول و اعلام صلح، به مبارزات خود ادامه دادند و به مدت ۴ سال نیروهای انگلیسی را چنان زمین گیر کردند تا نتوانند خود را به شیراز برسانند (منصوری، ۱۳۸۰).

پیش از آغاز جنگ جهانی اول، انگلیسی‌ها به یکی از کاروان‌های دلواری حمله کردند که متعاقب آن درگیری به وجود آمد و به اشتباه به عنوان نقطه آغازین رویارویی مستقیم دلواری با انگلیسی‌ها یاد می‌شود؛ چراکه دلواری در جریان انقلاب مشروطه، تحت زعامت و هدایت آیت‌الله سیدمرتضی علم‌الهدی اهرمی به انگلیسی‌ها در بوشهر حمله کرد (کولاگینا، ۱۳۹۵).

ناکامی انگلیس در تطمیع دلواری

انگلیسی‌ها در ابتدا می‌خواستند با پرداخت پرداخت مبالغ زیادی قیام ریسهلی دلواری را متوقف کنند و گفتند که چنانچه او از قیام علیه قوای اشغالگر صرف‌نظر کند، مقامات انگلیسی ۴۰ هزار پوند به او خواهند پرداخت. ریسهلی در پاسخ گفت: «چگونه می‌توانم بی‌طرفی اختیار کنم درحالی‌که استقلال ایران در معرض خطر جدی قرار گرفته است». پس از جواب وی، نامه تهدیدآمیز از طرف مقامات انگلیسی به ریسهلی نگاشته شد، مبنی بر این‌که چنانچه بر ضد دولت انگلیس قیام و اقدام کنید، مبادرت به جنگ می‌کنیم در این صورت خانه‌هایتان ویران و نخل‌هایتان را قطع خواهیم کرد. ریسهلی در پاسخ مقامات انگلیسی نوشت: خانه ما کوه است و انهدام و تخریب آن‌ها خارج از حیطه قدرت و امکان امپراتوری بریتانیای کبیر است. بدیهی است که در صورت اقدام آن دولت به جنگ با ما، تا آخرین حد امکان مقاومت خواهیم کرد. بعد از ناکامی انگلیسی‌ها برای متقاعد کردن دلواری، آنها در ۲۶ رمضان ۱۳۳۳ قمری نیروهای انگلیسی بدون مقدمه و اخطار قبلی در بوشهر پیاده شدند. آنان که قبلاً جزایر خلیج فارس را متصرف شده بودند، بوشهر را که علاوه بر موقعیت ژئوپولیتیک، مرکز عمده مبادلات تجاری، صادرات و واردات با شبه جزیره هند و شیخ نشین‌های حوزه خلیج فارس و کشورهای اروپایی بویژه انگلیس و آلمان بود به اشغال درآوردند. این اقدام، مرزنشینان تنگستانی را به عکس‌العمل واداشت و ریسهلی دلواری در نوک پیکان حمله به اشغالگران قرار گرفت (پاپ‌ملکم، ۱۳۸۵).

شکست مفتضحانه انگلیس در دلوار

این مبارز نامدار که پیشاپیش از حمله به دلوار آگاهی داشت، بلافاصله در اقدامی تاکتیکی به تخلیه دلوار پرداخت و به سمت کوه‌های اطراف منطقه‌ای مشهور به «کلات بوجیر» عقب‌نشینی کرد. سربازان انگلیسی و هندی هنگامی وارد دلوار شدند که تقریباً روستا خالی از سکنه بود. به همین جهت شروع به گلوله‌باران منازل مسکونی خالی و قطع نخل‌های دلوار کردند. ریسهلی در همان شب با ۴۰۰ تن از نیروهای خود به قوای انگلیسی شبیخون زدند و ۶۰ تن از نیروهای متجاوز از جمله یک ژنرال بلندپایه را از پای درآوردند و همین امر سبب پیروزی وی در این جنگ شد. پس از این جنگ ریسهلی دلواری بر حملات شبانه خود به بوشهر و پادگان انگلیسی‌ها افزود و با همفکری دیگر خوانین منطقه طرح حمله سراسری به بوشهر و آزادسازی آن را پی‌ریزی کرد. بدین ترتیب دلواری برای دفاع از استقلال وطن و حفظ حریم مرزی ایران همراه با یارانش، در نبرد با اشغالگران انگلیسی، نیروهای متجاوز را شکست دادند. جنگ دلیران تنگستان به رهبری وی تا شهریور ۱۲۹۴ ادامه پیدا کرد و انگلیسی‌ها نتوانستند او و یارانش را شکست دهند. «نیلستروم» افسر سوئدی ژاندارمری بوشهر در خاطراتش تعریف می‌کند: من بعد از اشغال بوشهر، رفتم به سمت دلوار. وقتی وارد دلوار شدم، اینقدر خوشحال شدم مثل اینکه می‌خواستم پادشاه سوئد را ببینم. بعد در خاطراتش تعریف می‌کند می‌گوید: وقتی من ریسهلی را دیدم تازه از عملیات برگشته بود. اسب هایشان را کناری گذاشتند، بعد من را به وی معرفی کردند، خوشحال شد، گفت بنشینید بعد دست و صورتش را شست و بعد سفره‌های انداختند و گفتند ایشان روزه است؛ یعنی رئیس و تفنگدارانش با دهان روزه در ماه رمضان به عملیات می‌رفتند. بنابراین در حالی که در جنگ جهانی اول دولت مرکزی ایران به شدت ضعیف بود و نمی‌توانست از بی‌طرفی خود دفاع کند و حکام منطقه‌ای او در جنوب و به ویژه بوشهر نیز توان حفاظت از منافع ایران در برابر انگلیس را نداشتند اما در این میان، ایستادگی و مقاومت ریسهلی جوان در برابر استعمار انگلیس و شکست دادن کشتی‌های جنگی آنها در جنگ دلوار جانی دوباره در قلب وطن دوستان دمید و این دلوار دلواری که از دولت مرکزی ناامید بود، با گرفتن حکم جهاد از عالمان زمان خود استعمارگران را شکست داد. بعد از جنگ‌های ایران و روسیه و قرارداد ترکمنچای و گلستان، ایران در هر جنگی که شرکت کرد، شکست خورد.

تنها استثناء در این مورد جنگ دلوار بود که نیروهای ایرانی در جنگ با انگلیسی‌ها، شکست سختی به آنان وارد کردند. انگلیس با شکست مفتضحانه، ده‌ها تن از افسران نظامی و دیگر نیروهای خود را از دست داد. انگلیسی‌ها تا مدت‌ها از این اتفاق مبهوت بودند (زنگنه، ۱۳۸۵).

انگیزه و هدف دلواری از مبارزه با انگلیسی‌ها

سیدقاسم یاحسینی پژوهشگر تاریخ معاصر و نویسنده بوشهری کتاب "رئیسعلی دلواری" در خصوص انگیزه و هدف رئیسعلی دلواری از مبارزه با انگلیسی‌ها گفت: آن کسانی که مطرح می‌کنند اختلافات مالی و تجاری دلیل درگیری بین تنگستانی‌ها و در صدر آن‌ها رئیسعلی دلواری با انگلیسی‌ها بود، به لحاظ تاریخی درست نیست. نخستین درگیری‌ها پیش از جنگ جهانی اول و در دوره مشروطه و استبداد صغیر به وجود آمد که دلواری بوشهر را به فرمان آیت‌الله علم الهدی اهرمی تصرف کرد. این نخستین درگیری و اختلاف بین رئیسعلی دلواری و انگلیسی‌ها بود. این منازعات و درگیری‌ها کمابیش تا جنگ جهانی اول ادامه داشت. با آغاز جنگ جهانی اول، انگلیسی‌ها در اروپا تحرکاتی انجام دادند که مداخله آشکار در امور داخلی ایران به حساب می‌آمد؛ با توجه به اینکه دولت ایران با شروع جنگ جهانی اعلام بی‌طرفی کرد. نقطه اوج این قضیه دستگیری دکتر لیسترن سرکنسول گری آلمان در بوشهر و چند تن از کارمندان شرکت تجاری وانکهاوس بود. این نقض آشکار بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول و مداخله انگلیسی‌ها در ایران و بوشهر بود. از این رو علما و خوانین ضدانگلیسی جنوب به تحریک و واکنش واداشته شدند (موسوی، ۱۳۸۵).

اتهام‌زنی انگلیسی‌ها به دلواری

انگلیسی‌ها چون نیروهای بومی را جدی نمی‌گرفتند، هرگونه حرکت ضدانگلیسی را به رقبای اروپایی خود و به خصوص آلمانی‌ها نسبت می‌دادند. تفکر اروپامحوری و نژادپرستانه آنان اجازه نمی‌داد تا باور کنند نیروهای بومی نیز بدون اتکا به دیگران می‌توانند علیه آنان بجنگند. سال‌ها پیش از آنکه واسموس بخواهد به عنوان سرکنسول آلمان وارد منطقه بشود، دلواری در جریان انقلاب مشروطه مبارزه خود را با انگلیسی‌ها شروع کرده بود. بنابراین کسانی که مدعی هستند، دلواری تحت تحریک و نفوذ او بود، توجه ندارند که مبارزات ضدانگلیسی دلواری از سال‌های جنبش مشروطه آغاز شده بود و آن موقع هنوز واسموس در ایران نبود. انگلیسی‌ها برای اینکه دلواری را کم اهمیت نشان بدهند، حرکت ضداستعماری او را به بیگانه نسبت می‌دهند و مدعی شوند که دلواری با سرکنسولگر آلمان در بوشهر مکاتباتی داشت. البته دلواری از آنجایی که تلاش داشت از تمامی نیروها و ظرفیت‌های ضدانگلیسی در منطقه استفاده کند، با آلمانی‌ها ارتباط داشت و نامه‌نگاری‌هایی هم در این رابطه کرد، اما از آنان فرمان نگرفت، بلکه دلواری به آنان فشار می‌آورد که هرچه زودتر به انگلیسی‌ها در بوشهر حمله و این شهر از اشغال انگلیسی‌ها خارج شود که آلمانی‌ها در پاسخ به این درخواست عنوان کردند، اکنون زود است، موقعیت مناسب نیست و فعلاً به انگلیسی‌ها در بوشهر حمله نشود. در نهایت هم انگلیسی‌ها به صورت ناگهانی به کنسولگری آلمان و شرکت وانکهاوس حمله و کارمندان آن شرکت را دستگیر کردند. در نتیجه این اقدام، قیام عمومی ضدانگلیسی در منطقه بوشهر شکل گرفت. همچنین در برخی اسناد انگلیسی‌ها، دلواری را راهزن معرفی کرده‌اند؛ چراکه آنان همواره تلاش داشته‌اند، مخالفان خود را ترور شخصیتی بکنند. انگلیسی‌ها در گزارش‌ها و اسنادشان، مخالفان خود را راهزن، دزد و یا آدم‌های روانی و غیرمعمولی معرفی کرده‌اند. دلیل آن هم این است که آنان معتقدند ابتدا باید دشمن خود را ترور شخصیتی و سپس ترور فیزیکی کرد. این ماجرا تا به امروز نیز در مورد مخالفان سیاست‌های استعماری انگلیس ادامه دارد. دلواری تجارت خوب و سودآوری با بحرین داشت و در منطقه‌ای زندگی می‌کرد که ساحل داشت و از طریق آن و با برقراری ارتباط‌های دریایی می‌توانست ثروت بسیاری به دست آورد؛ از این رو نیازی به راهزنی نداشت.

ارادت دلواری به آیت‌الله برازجانی

آیت‌الله برازجانی یکی از روحانیون مبارز ضدانگلیسی بود که دلواری ارادت بسیاری به او داشت. دلواری در نامه‌ای که خطاب به برازجانی نوشت، او را پیر و مراد خود خطاب قرار داد. آیت‌الله لاری، آیت‌الله برازجانی و آیت‌الله بلالی بوشهری علیه انگلیس فتوای جهاد دادند. آیت‌الله برازجانی در نامه‌ای به ژنرال کاکس کنسولگر انگلیس، سیاست‌های مداخله‌جویانه آن کشور در

جنوب ایران را محکوم کرد که اقدام ضدانگلیسی مهمی بود. به دنبال صدور این نامه از سوی آیت‌الله بزازجانی، دلواری نامه تشکرآمیزی خطاب به ایشان نوشت و مورد تمجید بسیار قرار داد. دلواری زمانی که مبارزات ضدانگلیسی به اوج خود رسیده بود، به شهادت رسید. او از پشت و از درون جبهه خودی مورد هدف قرار گرفت. گفته می‌شود انگلیسی‌ها آن فرد را اجیر کرده بودند تا دلواری را حذف کنند و ردپایی هم از خودشان برجای نگذارند. یکی از روش‌های انگلیسی‌ها برای حذف مخالفان خود، حذف مخالف به دست رقبای داخلی بود (طلوعی، ۱۳۸۶).

شهادت

سرانجام این مجاهد خستگی ناپذیر در ۱۲ شهریور ۱۲۹۴ خورشیدی در محلی به نام «تنگک صفر» و در زمان شبیخون به نیروهای انگلیس توسط فردی نفوذی به نام غلام‌حسین تنگکی، از پشت سر هدف گلوله قرار گرفت و در ۳۳ سالگی کشته شد. پیکر او نیز بنا بر وصیتش، در جوار حرم علی‌بن‌ابیطالب (ع) در وادی‌السلام نجف اشرف دفن شده است. آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب در بخشی از بیانات خود در دیدار اهالی بخش دلوار فرمودند: «رییس‌علی دلواری قهرمان مبارزه با استعمار انگلیس است و ملت ایران همانند شهید رییس‌علی دلواری که در مقابل انگلیس ایستادگی کرد، امروز در برابر قدرت‌های متجاوز به سرکردگی آمریکا ایستاده است و از دشمنان خود هیچ‌واهمه‌ای در دل ندارد. بدون تردید با فضل خداوند بر ملت‌های مسلمان، اسلام کاخ‌های جاهلیت را در تمام دنیا ویران خواهد کرد و مظلومان را نجات خواهد داد.» (دشتی، ۱۳۷۹).

فهرست منابع

- ۱- صادق جلالی، برضد استعمار، تهران، جاویدان، ۱۳۹۰، ص ۲
- ۲- جواد منصوری، شناخت استکبار جهانی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰، صص ۲۶، ۲۵ و ۲۷
- ۳- کولاگینا لودمیلا، استیلای امپریالیسم بر ایران، ترجمه: سیروس ایزدی، تهران، علم، ۱۳۹۵، ص ۶
- ۴- پاپ ملکم و کوپربوش بریتون، خلیج فارس در آستانه قرن بیستم، ترجمه: حسن زنگنه، تهران، نشر به دید، ۱۳۸۵، صص ۱۱-۱۰
- ۵- ویلیام جی اولسون، روابط ایران و انگلیس در جنگ جهانی اول، ترجمه: حسن زنگنه، تهران، نشر شیرازه، ۱۳۸۵، ص ۲۲
- ۶- سیدعلی موسوی، خلیج فارس در گذر زمان، تهران، بنیاد نبوت، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷
- ۷- محمود طلوعی، ترس از انگلیس، تهران، انتشارات هفته، ۱۳۸۶، پیشگفتار
- ۸- پیروز مجتهدزاده، خلیج فارس کشورها و مرزها، تهران، عطایی، ۱۳۷۹، ص ۲۸
- ۹- احمد دشتی، جنبش جنوب ایران با تکیه بر مردم تنگستان و دموکراتهای فارس، قم، هفته نامه خلیج فارس بوشهر، ۱۳۷۹، ص ۴۱
- ۱۰- عبدالکریم مشایخی، سالشماری وقایع جنوب ایران از ۱۱۱۴ هـ/ش/۱۷۳۵ میلادی تا ۱۳۰۸ هـ/ش/۱۹۲۷ میلادی، مجموعه مقالات رئیس‌علی دلواری، ص ۲۷۸